

۱۴ نوجوان محله امام رضا^(ع) هر ماه برای نیازمندان غذای گرم می‌پزند

قراری برای مهربانی



راه تجربه



او می‌گوید: محله امام رضا^(ع) محله برخورداری است. امادر همین محله هم سالمندان، بیماران و خانواده‌های آبرومندی هستند که وضع مالی سختی دارند. ما تلاش می‌کنیم بایک پرس غذای گرم یا اهدای لباس، قدم کوچکی برای کمک به آن‌ها برداریم. به گفته او، شیرین‌ترین لحظه وقتی است که غذا را تحویل می‌دهند و دعای خیر خانواده‌ها بدقه راهشان می‌شود: همین دعاها باعث می‌شود باشوق بیشتری برای برنامه بعدی آماده شویم.

مسئولیت‌پذیری از همین امروز

فرمانده پایگاه بسیج شهید نامجو می‌گوید: برای شناسایی خانواده‌های نیازمند، نوجوان‌ها در همه مراحل، از تحقیق و خرید مواد اولیه تا پخت و توزیع غذا، نقش اصلی را بر عهده گرفته‌اند و در کنار آن‌ها یک آشپز هم حضور دارد.

رضا سجادی می‌افزاید: به دلیل اینکه هنوز آشپزخانه مسجد راه نیفتاده است، گاهی این پخت در خانه یکی از بچه‌ها انجام می‌شود و گاهی هم آشپزخانه‌ای کرایه می‌کنیم.

او بیان اینکه چهارده نوجوان عضو این گروه هستند و از هفده خانواده نیازمند محله حمایت می‌کنند، توضیح می‌دهد: یک مرتبه از ساعت ۶ عصر تا ۵ صبح بچه‌ها برای پخت جو جبه کباب، مرغ پاک کردند، بدون اینکه کسی غر بزند.

فرمانده پایگاه بسیج شهید نامجو با اشاره به اینکه علاوه بر خانواده‌های نیازمند محله، بخشی از غذا در حاشیه شهر توزیع می‌شود، می‌گوید: هدف ما فقط رساندن غذا نیست؛ می‌خواهیم این نوجوان‌ها از همین سن، کمک به دیگران و مسئولیت‌پذیری را در عمل یاد بگیرند تا این روحیه در آینده هم همراهشان بماند. سجادی یادآوری می‌شود: این نوجوان‌ها یاد گرفته‌اند در کارهای دیگر خیرانه مسجد هم مشارکت کنند. آن‌ها با جمع‌آوری کمک‌های اهالی و خیران، برای تهیه لوازم تحریر، لباس و خرید بسته‌های معیشتی مشارکت می‌کنند.



او می‌گوید: در مناسبت‌هایی که مسجد نذری دارد، غذای بیشتری می‌پزیم تا به خانواده‌های نیازمند محله و حاشیه شهر هم برسد. بین کار صدای شوخی و خنده بچه‌ها هم شنیده می‌شود. حسین توضیح می‌دهد: گاهی محمد حسین با خواندن مولودی و مداحی فضا را برایمان متفاوت می‌کند.

اینجا هر کسی مسئولیتی دارد و تا آخر کار کنار بقیه می‌ماند. پس از بسته‌بندی، ظرف‌های غذا داخل وانت، موتور یا خودرو سوار می‌گذاشته می‌شود تا راهی خانه خانواده‌های نیازمند شود.

هر کس سهمی در این مهربانی دارد

علی اکبر اصفهانی، یکی دیگر از نوجوان‌های گروه، می‌گوید عضویت در این جمع باعث شده است نگاهش به خیلی از مسائل اطرافش تغییر کند: قبلاً شاید وقتی از کنار کسی که نیاز به کمک داشت رد می‌شدم، نمی‌دانستم چه کاری می‌توانم انجام دهم، اما اینجا یاد گرفتیم همیشه لازم نیست کار بزرگی انجام بدهیم. گاهی همین که چند نفر کنار هم جمع شوند و هر کدام بخشی از کار را انجام دهند، می‌تواند کمکی به یک نیازمند باشد.

او ادامه می‌دهد: برای من جذاب‌ترین بخش کار این است که خودمان از اول تا آخر در بطن کار هستیم و می‌دانیم غذایی که آماده کرده‌ایم، به دست چه خانواده‌هایی می‌رسد. این باعث می‌شود احساس کنیم فقط یک غذای گرم آماده نکرده‌ایم، بلکه بخشی از وقت و توانمان را برای خوش‌حال کردن آدم‌های دیگر گذاشته‌ایم. همین حس باعث شده است هر بار که قرار پخت غذا داریم، منتظر باشیم دوباره دور هم جمع شویم و کاری انجام دهیم که به نظر ارزشش را دارد.

دعایی که انگیزه ادامه راه است

ابوالفضل گنجوی، هجده ساله، بیشتر مسئول توزیع غذاست.

نجمه موسوی زاده بوی پیاز داغ و ادویه فضای آشپزخانه را پر کرده است. بانیم‌نگاهی می‌توان دید که چند نوجوان گوشه‌ای از کار را گرفته‌اند: یکی برنج پاک می‌کند، دیگری سیب زمینی خرد می‌کند، سه چهار نفر هم مرغ‌ها را آماده می‌کنند. شاید تا پیش از دیدن این صحنه کمتر کسی باور کند بیشتر کار پخت این غذا بر عهده نوجوان‌های یازده تا هجده ساله است. نوجوان‌های اعضای گروه جهادی شهید امیرعلی حاجی زاده زیرمجموعه پایگاه بسیج شهید نامجوی مسجد حضرت محمد^(ص) هستند و حدود یک سال است دو بار در هر ماه برای خانواده‌های نیازمند غذای گرم می‌پزند. آن‌ها همه کارها از جمله شناسایی خانواده‌ها، خرید مواد اولیه، پخت، بسته‌بندی و توزیع غذا را خودشان بر عهده گرفته‌اند.



وقتی خستگی جایش را به رضایت می‌دهد

محمد حسین زنگنه، نوجوان شانزده ساله گروه، به دلیل علاقه‌اش از سه سال پیش مداح برنامه‌های مسجد هم هست، امروز پخت غذا خبری از میکروفون نیست. آستین‌هایش را بالای زنده و کنار بقیه مشغول کار می‌شود. او می‌گوید: شاید آشپز حرفه‌ای نباشم، اما هر کاری از دستم بر بیاید، مانند پاک کردن برنج و حبوبات تا خرد کردن پیاز و سیب زمینی را انجام می‌دهم.

چند ساعت کار مداوم در بین بخار دیگ‌های غذا در این روزهای گرم تابستان، خستگی را روی صورت بچه‌ها نشان می‌دهد، اما محمد حسین می‌گوید همین که غذا آماده می‌شود، همه آن خستگی از یادش می‌رود: حس و حال این کار با همه کارهایی که انجام می‌دهیم فرق دارد. وقتی می‌دانم این غذا قرار است سر سفره یک خانواده نیازمند برود، احساس خوبی پیدا می‌کنم.

آشپزخانه‌ای که بارفاقت می‌چرخد

حسین میرزایی هفده ساله است. او حدود یک سال پیش به دعوت یکی از هم‌کلاسی‌هایش عضو این گروه شد. او می‌گوید هنوز آشپزخانه مسجد آماده نیست و برای همین، گاهی در آشپزخانه‌های کرایه‌ای و گاهی در خانه یکی از بچه‌ها غذای می‌پزند.